

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۸

سیره ائمه علیهم السلام در مراسم و مواسم دینی؛ بررسی سبک زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ماه رمضان

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۱۲

نعمت الله صفری فروشانی*

حامد قرائتی**

مراسم و موسسه‌های اجتماعی جلوه‌ای از آداب، رسوم، تاریخ، فرهنگ و دیگر مؤلفه‌های فکری و مذهبی یک جامعه هستند. یکی از نکاتی که موجب اهمیت بررسی تاریخی مراسم و مواسم دینی می‌شود واکاوی اصالت و بدعت‌گرایی در شعائر و نمادهای دینی است؛ زیرا امکان دارد برخی با رویکردی نص‌گرایانه به مخالفت با هر نماد و آیین نوپیدای تصریح نشده از سوی معصومان علیهم السلام بپردازند و برخی دیگر با استناد به کلیات و نکته‌های عمومی دلایل، دست خود را در ابداع آیین‌های خودساخته منسوب به دین، باز

* دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

بینند. بر اساس درک چنین ضرورتی، این مقاله می‌کوشد با این فرض که مواسم و مراسم دینی، یکی از منابع مهم تقویت باورهای دینی است، رفتار امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را در محدوده زمانی ماه رمضان به عنوان یک مناسبت و موسم دینی در سه محور اصلی سیره شخصی، سیره اجتماعی و سیره سیاسی بررسی کند. سیره شخصی امیرالمؤمنین علیه السلام نشان‌دهنده اهتمام به نظافت، آراستگی، بهداشت، سلامت، خضوع، خلوص، خیرخواهی، اعتدال و هدف‌گذاری معنوی در زندگی مادی است. سیره اجتماعی آن حضرت، آموزه‌هایی مانند همگرایی و تعامل، اهتمام به تبلیغ و مسئولیت اجتماعی، توجه به مساجد به عنوان یک نهاد مؤثر اجتماعی - سیاسی، جانمایی شعائر مذهبی در حقوق اجتماعی، تأکید بر نتایج اعتقادی و عرفانی و اخلاقی تکالیف دینی، مبارزه با بدعت‌ها و توجه به جنبه‌های اقتصادی شعائر مذهبی را نشان می‌دهد. توجه به جهاد، مسئولیت‌پذیری سیاسی و استفاده از عوامل و محرک‌های معنوی در تدابیر سیاسی در سیره سیاسی آن حضرت علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارند.

واژه‌های کلیدی: سیره اهل بیت علیهم السلام، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، ماه رمضان، مراسم مذهبی، آداب، سبک زندگی.

مقدمه

مراسم و مواسم اجتماعی، تبلوری از آداب، رسوم، تاریخ، فرهنگ و دیگر مؤلفه‌های فکری و مذهبی هستند. مؤلفه‌هایی که خواسته یا ناخواسته در باورهای عمومی مردم نهادینه شده و به‌عنوان منابع مهم سنجش و پالایش رفتارهای پذیرفته شده عمومی و حتی اندیشه‌های دقیق فلسفی، شناخته شده‌اند. با بررسی و تحلیل عوامل، ریشه‌ها و آثار این مراسم که به زمان و مکان یا یکی از این دو محدود هستند، به یافته‌هایی مانند میزان اثرگذاری این عوامل در باورهای عمومی، سنجش تعامل یا تقابل مؤلفه‌های اجتماعی و

فرهنگی با یکدیگر، اولویت‌سنجی و تقدم هر یک از این مؤلفه‌ها، گونه‌شناسی عوامل مؤثر، نتایج و پی‌آمدهای مستقیم و غیرمستقیم متولیان، تدبیرگران و مخاطبان این مراسم مشاهده می‌شود. بدین ترتیب همه این نتایج می‌تواند ما را در راستی‌آزمایی باورها و اندیشه‌های پذیرفته‌شده فکری، فرهنگی، مذهبی و مدیریت دینی و اجتماعی جامعه یاری کنند.

باید دانست که جوامع مختلف بسته به ماهیت تاریخی، فکری، مذهبی و حتی سیاسی دارای تعدد و تنوع آیینی هستند، مراسم و آیین‌هایی با پشتوانه دینی، ملی، نژادی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که هرکدام نتایج و آثار خاص و مشترک دارند. در جوامعی با عوامل و بنیان‌های فعال دینی و مذهبی، مهم‌ترین منابع و بسترهای شکل‌گیری و رونق مراسم و مواسم اجتماعی، آموزه‌های دینی و سرمایه‌های تاریخی هستند. گونه‌شناسی خاستگاه این آیین‌ها مانند زندگی‌نامه بزرگان و مشاهیر دربردارنده تولد، وفات، شهادت و مقاطع سرنوشت‌ساز زندگی ایشان و بررسی رخدادهای تاریخی - مذهبی و تکالیف دینی، می‌تواند به شناخت سیر تطور فکری و تاریخی جوامع و مذاهب مختلف کمک رساند. این تطور در برخی موارد، گویای حجیم‌سازی برخی عناصر دینی و مذهبی یا غفلت‌زدگی از برخی عناصر دیگر است.

صرف‌نظر از جامعه دینی، ادیان و مذاهب، استعدادهای متفاوتی در برابر مراسم و موسم‌های دینی و مذهبی دارند؛ زیرا دین اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام افزون بر اهتمام به روش و چگونگی اجرا و اهداف شعائر و موسم‌هایی که در آیات و احادیث به آن پرداخته شده است، از نظر موضوعی دارای تنوع و گستردگی ممتازی است. از سوی دیگر، به لحاظ تاریخی و مذهبی دارای مراسم و موسم‌هایی مانند، مبعث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عید قربان، عید غدیر، ولادت و وفات معصومان علیهم‌السلام و حادثه کربلا است و به لحاظ تکلیفی و عبادی، شعائر و مراسمی را چون نماز جماعت پنج‌گانه، عید فطر، موسم حج، ماه مبارک رمضان، ایام‌البيض، دحو الارض و نیمه شعبان شامل می‌شود.

از مباحثی که بررسی تاریخی مراسم و موسم‌های دینی را اهمیت بیشتری می‌بخشد، اصالت و بدعت‌گرایی در شعائر و نمادهای دینی است؛ زیرا امکان دارد برخی با رویکردی نص‌گرایانه به مخالفت با هر نماد و آیین نوپیدای تصریح نشده از سوی معصومان علیهم‌السلام بپردازند و برخی دیگر با استناد به کلیات و عموم ادله، دست خود را در ابداع آیین‌های خودساخته منسوب به دین، باز ببینند.

برای برون‌رفت از دغدغه‌های پیش‌گفته، تمسک به سیره معصومان علیهم‌السلام از رویکردهای مهم خواهد بود. این راهکار با مراجعه به نصوص دینی^۱ و با تکیه بر دلایل عقلی، مسیری مطمئن و راهگشا خواهد بود. سیره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام به دلیل جایگاه معنوی و به دلیل تنوع شرایط پیرامونی و اجتماعی ایشان، دارای نتایج و یافته‌هایی کم‌نظیر است. دوران زندگی پیش از بعثت، از بعثت تا هجرت، از هجرت تا رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خلافت خلفای سه‌گانه و دوران حکومت، همگی گستره وسیع، متنوع و سازگار با شرایط گوناگونی را به وجود می‌آورد که الگوگیری در مقاطع و دوره‌های مختلف را برای رهروان آن حضرت علیه‌السلام ممکن می‌سازد. در این تحقیق، سعی می‌شود با تکیه بر احادیث و گزارش‌های تاریخی، رفتار امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام به عنوان سیره و سبک زندگی، در محدوده زمانی ماه رمضان به عنوان یک مناسبت و موسم دینی ارائه شود.

سیره شخصی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام

به سنت و سیره شخصی و فردی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نسبت به عرصه اجتماعی و سیاسی زندگی ایشان، کمتر توجه شده است. این فراموشی تنها به سبب کم‌کاری محققان و پژوهش‌گران نیست؛ چرا که شرایط زندگانی حضرت و وضعیت حاکم بر فضای سیاسی - اجتماعی عصر ایشان و پس از آن، موجب بی‌توجهی به سیره شخصی و فردی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام شده است. سعی دولت‌مردان هم‌عصر آن حضرت علیه‌السلام و پس از ایشان، در پوشیده داشتن فضایل آن حضرت علیه‌السلام و حتی الزام نخبگان بر بی‌زاری از

ایشان،^۲ پذیرش و ثبت گفتار ایشان در محدوده احادیث نبوی، تعارض و درگیری‌های اجتماعی و مذهبی با محوریت اعتبار و مشروعیت اجتماعی و حتی فردی حضرت علیه السلام پس از ماجرای قتل عثمان،^۳ حکمیت^۴، حجیت نداشتن و نپذیرفتن سنت و سیره متعارض با سنت شیخین حتی از سوی هواداران^۵، برخی از عوامل مهم بی‌توجهی به سیره شخصی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است.

با این حال، جایگاه ویژه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در تعریف و نشر مبانی و آموزه‌های اسلامی و اثرگذاری در تاریخ اسلام، موجب شده است که نه تنها شیعیان، بلکه دیگر فرقه‌های اسلامی به تاریخ و زندگی آن حضرت علیه السلام، البته نه به صورت سیره، بلکه بیشتر به صورت سیر تاریخی توجه کنند. مطالب پیش‌گفته در صدد تبیین ضرورت بررسی سیره فردی و شخصی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است و هدف این تحقیق، ارائه‌الگویی از تبیین سیره شخصی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در محدوده زمانی خاصی، چون ماه رمضان، آن‌هم با تکیه بر منابع تاریخی و حدیثی است. بدین منظور محورهای ذیل را به‌عنوان برخی از مهم‌ترین مصداق‌های سیره شخصی حضرت علیه السلام در ماه رمضان، معرفی می‌کنیم.

۱. اهتمام به نظافت و آراستگی

نظافت و آراستگی از توصیه‌های عمومی در منابع اسلامی است و تأکید بر آن یا حفظ اولویت آن در مواردی که با احکام عبادی تعارض دارد، گویای اهمیت نظافت و آراستگی در سیره ائمه علیهم السلام است. برای نمونه، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در روایتی، استفاده از سرمه چشم را برای روزه‌داران، مجاز می‌داند.^۶ در حالی که براساس روایت، گاه استفاده از سرمه موجب ابطال روزه شود. حضرت علیه السلام در روایتی دیگر، روزه‌داران را به مسواک‌زدن در صبح توصیه می‌کند و در پاسخ به این اشکال که ممکن است رطوبت مسواک، روزه را باطل کند، به جواز مززه با آب که رطوبت بیشتری ایجاد می‌کند، استشهاد کرده‌اند.^۷

بدین ترتیب مسواک زدن، فارغ از نقش مؤثر آن در بهداشت و سلامت، سهم به‌سزایی در زیبایی ظاهری و خوش‌بوئی دهان و دندان دارد. توجه به این مهم، در سفارش حضرت علیه السلام به مسواک زدن در ابتدا و انتهای روز^۸ به وسیله روزه‌داران مشاهده می‌شود.

۲. اهتمام به بهداشت و سلامت

تأکید بر جواز و دفاع از مسواک زدن و سرمه کشیدن روزه‌داران، با توجه به جنبه بهداشتی آن، به شایستگی بیان‌کننده جامع بودن سیره و سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام و چگونگی جمع میان حقوق فردی، دینی و اجتماعی است. رویکرد امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در تأمین پیش‌نیازهای محیطی و مادی برای بهره‌مندی معنوی در موسم‌ها و مراسم دینی و مذهبی، نه تنها یک تدبیر و ظرافت، بلکه از ضوابط و مبانی سیره معصومان علیهم السلام است.

با مطالعه سیره شخصی حضرت علیه السلام در رمضان، می‌توان با وجود اهتمام ایشان به مناسک، آداب و تکالیف الزامی و ارشادی این ماه، دغدغه‌هایی مبتنی بر حفظ سلامتی و بهداشت را دید. یکی از مواردی که می‌توان از آن به عنوان سیره حضرت علیه السلام در رمضان با رویکرد بهداشت و سلامت یاد کرد، تأکید بر خوردن غذا در سحر و افطار است؛ زیرا در غیر این صورت ممکن بود، برخی به دلیل زهد و تقوا و برخی به دلیل بی‌توجهی و سستی، اهتمام چندانی به دو وعده غذایی تأکید شده؛ یعنی افطاری و سحری نداشته باشند. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در حدیثی پس از تأکید بر خوردن غذا در این دو وعده، به لحاظ تبیین ضرورت، خوردن دست‌کم نصف خرما در افطار و جرعه‌ای آب در سحرگاه را لازم می‌داند.^۹

حضرت علیه السلام در روایتی دیگر، درک فضایل و عبادات ماه رمضان را در گرو رعایت سلامت و تأمین نیازهای اساسی بدن معرفی می‌کند و بهره‌مندی از برکات روزه را بسته به خوردن غذا در سحرگاه و شب زنده‌داری را بسته به خواب میانه روز می‌داند.^{۱۰} توصیه بر

استفاده از برخی مواد غذایی مانند خرما و حلوائی متشکل از روغن و آرد گندم و جو^{۱۱} و مسواک زدن پس از خوردن غذا در سحری و پیش از خوردن غذا در افطار^{۱۲} از اموری هستند که بر تأکید امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بر بهداشت و سلامت در رمضان دلالت دارند.

سفارش امام علیه السلام به مقدم داشتن نماز به هنگام افطار، مگر در زمانی که غذا مهیا و سفره گسترانیده شده،^{۱۳} از توصیه‌هایی است که خاستگاه بهداشتی دارد؛ زیرا بو و غذای آماده نه تنها از میزان توجه در نماز می‌کاهد، بلکه ممکن است به جهت ترشح بزاق مواد هضم‌کننده غذا، آسیب‌هایی را برای بدن به دنبال داشته باشد. در حدیث یاد شده، حضرت علیه السلام تأخیر کردن در سحری خوردن در زمان متصل به اذان صبح و تسریع در خوردن افطار در زمان متصل به اذان مغرب را سفارش می‌کند.^{۱۴} به نظر می‌رسد سیره حضرت علیه السلام در استفاده از مواد غذایی چون خرما، نان جو، نمک^{۱۵} و شیر^{۱۶} در ماه رمضان دارای ملاحظه‌های بهداشتی است. از این رو می‌توان، نوع و کیفیت مواد غذایی را از مواردی دانست که حضرت علیه السلام در ماه رمضان بدان اهتمام دارد. البته نباید از یاد برد که ممکن است نوع، کیفیت و زمان استفاده از مواد غذایی و یا دیگر توصیه‌های بهداشتی، با ملاحظه شرایط محیطی و منطقه‌ای حجاز یا کوفه صورت گرفته باشد. از این رو، استخراج اصول و رویکردهای ثابت و متغیر سیره معصومان علیهم السلام در عرصه‌های گوناگون محیطی و در شرایط مختلف زمانی و مکانی، موضوعی است که نیاز به پژوهشی جامع دارد.

۳. خضوع، خلوص و خیرخواهی

بروز و جهت‌گیری فضایل اخلاقی و عرفانی در جزئی‌ترین رفتار و سلوک شخصی به عنوان رفتار و سیره متکی بر خاستگاه اخلاقی حضرت علیه السلام در رمضان یاد می‌شود. از مصادیق این سیره، سفره غذای حضرت علیه السلام در موسم رمضان است. سادگی، بی‌پیرایگی، سالم، بهداشتی و حلال بودن، فقط ویژگی‌های ظاهری سفره افطار حضرت علیه السلام بود.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام چنانچه خود به آن تصریح می‌کند، مراتب کمال و معرفت را حتی در فرصتهایی چون خوردن و نوشیدن جست‌وجو می‌کرد. در گزارشی، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در پاسخ به اظهار شگفتی عدی بن حاتم از سادگی سفره ایشان که متشکل از آب، نان جو و نمک بود، علت ترتیب چنین غذایی را تهذیب و قانع ساختن نفس بیان می‌کند.^{۱۷}

این نکته را نباید از یاد برد که شاید محروم نگهداشتن خود از نعمت‌های الهی، اصل برتر در سیره اهل بیت علیهم السلام نیست و آنچه در این‌گونه رفتارها تأکید می‌شود، اصل تربیت و خودسازی است. یکی دیگر از توصیه‌های حضرت علیه السلام، تکبر نداشتن و پذیرش دعوت دیگران است که با حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آن تأکید می‌کرد.^{۱۸}

بدین ترتیب، هر یک از این توصیه‌ها را باید مبتنی بر اصل مهمی در اخلاق و عرفان دانست. رفتار عبادی حضرت علیه السلام در این ماه حائز اهمیت است؛ چراکه ایشان افزون بر ملاحظه و رعایت تمام وظایف اجتماعی، فردی و خانوادگی، از عبادت و سلوک ویژه این ماه غافل نمی‌ماند. نماز توصیه شده حضرت علیه السلام برای هر شب از ماه رمضان، از شواهد این اهتمام است.^{۱۹} امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام هم با عمل و هم با زبان، دیگران را بر بهره‌مندی از فرصت‌های معنوی این ماه سفارش می‌نمود. آن حضرت علیه السلام آثار ویژه دعا و استغفار در ماه رمضان را، دفع بلا و محو و بخشش گناهان بیان می‌کرد.^{۲۰}

نکته مهم آن است که اولیای الهی بیش از بهره‌مند ساختن خود در این ماه، به فراهم کردن زمینه هدایت و سعادت و دوری از جهل و ضلالت دیگران همت می‌گمارند. در سبک زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ماه رمضان، تلاش برای فراهم آوردن زمینه بهره‌مندی دیگران و همراه نمودن آنها، امری انکارناپذیر است. به عنوان نمونه، حضرت علیه السلام به هنگام حرکت برای شرکت در نماز جماعت، پس از خروج از خانه،

همسایگان و خانه‌های در مسیر را با بانگ «یا ایها الناس الصلاة الصلاة» از برپایی نماز جماعت در مسجد آگاه می‌کرد.^{۲۱} یا این که ایشان با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ و همکاری همسر گرامی خویش، حضرت فاطمه علیها السلام در ماه رمضان، مقدمات شب‌زنده‌داری فرزندان و اهل خانه را فراهم می‌کرد.^{۲۳}

۴. اعتدال و میانه‌روی

عبادت، زهد، بخشش، کار، تفکر و هر امری که ممکن است در حالت عادی راه سعادت و کمال دانسته شود، در صورت خروج از مسیر اعتدال و میانه‌روی، ممکن است به گمراهی و ضلالت برسد. این آسیب در موسم‌های مذهبی نه تنها موجب دل‌زدگی مؤمنان، بلکه در تعارض با فلسفه و حکمت عبادات است. یکی از مواردی که از فراموشی حکمت عبادات و خروج از مسیر اعتدال حکایت می‌کند، پا فشاری بر موارد رخصت داده شده به وسیله خداوند است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام افرادی را که روزه خود را در سفر افطار می‌کنند، چنین می‌ستاید:

برگزیدگان شما، کسانی هستند که چون به مسافرت می‌روند، نماز را

شکسته به جای می‌آورند و روزه را افطار می‌کنند.^{۲۴}

در این رویکرد، افرادی که در رمضان، روزه خود را به دلیل وجود عذری افطار می‌کنند، نسبت به کسانی که در هر شرایطی روزه می‌گیرند، مقرب‌تر هستند. جامع بودن در رفتار و سلوک معنوی، به معنای در نظر گرفتن همه جنبه‌ها و شرایط کمال و سعادت است. این جامع بودن در جزئی‌ترین رفتارها و کردارهای شخصی و اجتماعی جاری است. برای مثال، در سیره علوی هم‌بستری با همسر در شب اول رمضان، نه تنها امری منافی روح عبادت و بندگی دانسته نشده، بلکه از موارد توصیه شده است.^{۲۵}

۵. هدف‌گذاری معنوی در زندگی مادی

در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی خانواده و لذت‌های مادی، مانعی در تعالی و سعادت معنوی نخواهد بود و با مدیریت و برنامه‌ریزی می‌توان،

آنها را مقدمه‌ای برای دست‌یابی به سعادت پایدار آخرت قرار داد. بدین ترتیب مناسبت‌ها و موسم‌های دینی می‌توانند تعیین‌کننده مسیر زندگی مادی باشند. در این سبک، اموری چون تشکیل خانواده، انعقاد نطفه و حتی رابطه زناشویی نه تنها تهدید نیست، بلکه فرصتی برای رسیدن به کمال معنوی شناخته می‌شود.

با بررسی اجمالی سیره معصومان علیهم‌السلام و برای نمونه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام در موسم‌ها و مراسم دینی، در می‌یابیم که ایام و مناسک مذهبی به معنای دوری گزیدن از جامعه و زندگی عادی نیست، بلکه به اموری چون دید و بازدید، اطعام، صلّه ارحام و رسیدگی به همسر و فرزندان با دقت و حساسیتی بیشتر از دیگر ایام توجه و توصیه می‌شود.

یکی از رفتارهایی که به خوبی مبین این رویکرد است، نکاح و ازدواج در موسم رمضان است. برای مثال، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ماه رمضان، پیوندی را که بر اساس آداب و سنن اسلامی با جشن، شادی و اطعام همراه است، برگزار کرد^{۲۶} و بنا به نقل برخی از منابع، ازدواج امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیه‌السلام در ماه رمضان اتفاق افتاده است.^{۲۷} بنابراین، موسم رمضان در سیره معصومان علیهم‌السلام ماه بهره‌مندی، نشاط و ساختن زندگی دنیا بر اساس باورهای معنوی است.

تکیه افراط‌گونه بر جاذبه‌ها و دافعه‌های معنوی و غفلت از تدبیر در زندگی مادی برای بهره‌مندی بهتر از فضایل معنوی، موجب می‌شود که بستر بروز عجب در مؤمنان فراهم آید و یا تدبیر زندگی معنوی در تعارض با تدبیر در زندگی مادی معرفی گردد. از این رو می‌توان با به‌کارگیری تدابیر و رویکردهای مادی، شرایط جسمی، روحی و محیطی مناسبی را برای بهره‌مندی بیشتر از فضایل و برکات معنوی فراهم ساخت. البته باید توجه داشت، دوری از اموری که ممکن است زمینه‌ساز محروم ماندن از رشد معنوی شود از رویکردهای اهل بیت علیهم‌السلام در نظام زندگی مادی است. سبک زندگی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در رمضان، متأثر از این رویکرد است؛ زیرا وی روزه‌دار را از اموری منع می‌کند که او را دچار ضعف، سستی جسمی و روحی و یا وسوسه به ترک روزه کند. حضرت علیه السلام در حدیثی در این باره می‌فرماید:

سه چیز است که روزه‌دار باید از آن دوری گزیند: حمام، حجامت و زن

[همسر] زیبا.^{۲۸}

سیره اجتماعی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

انواع شرایط اجتماعی که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در طول عمر خود تجربه کرده بود، عبارت بودند از: محیط خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت، دوره سه ساله دعوت مخفیانه و ده‌ساله دعوت آشکار در مکه، معادلات داخلی قریش در رویارویی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تحریم اقتصادی شعب ابی‌طالب، هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طائف و مدینه، جنگ‌های متعدد با قریشیان مکه و یهودیان مدینه، فرماندهی سرب‌ها، رقابت‌های مهاجر و انصار، رقابت‌های داخلی مهاجر، جریان نفاق، مهجور ماندن و خانه‌نشینی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، مشاوره دادن به خلفا، خلیفه شدن امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بر جهان اسلام و برخورد ایشان با جریان‌های افراطی و التقاطی.

این تنوع در نقش‌آفرینی و شرایط اجتماعی، موجب می‌شود که در بیشتر شرایط اجتماعی و سیاسی، چه در نقش حاکم و چه محکوم، چه پیروز و چه شکست خورده، چه مشاور و چه ناقد، چه در رویارویی با دشمن نظامی و چه دشمن عقیدتی، چه جنگ نرم و چه جنگ سخت، چه تحریم اجتماعی و چه اقتصادی به سنت و سیره‌ای جامع از ایشان دست یافت. با وجود فقر منابع تاریخی و حدیثی در خصوص دوره‌های متعددی از زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، می‌توان محورهای سیره اجتماعی حضرت را در رمضان به شکل زیر ترسیم کرد.

۱. همگرایی و تعامل

در مواردی، دوری گزیدن از برخی فعالیت‌های اجتماعی، از توصیه‌های الزامی یا ارشادی دسته‌ای از عبادت‌ها است. بنابراین، ممکن است محدود شدن فعالیت‌ها و نشاط اجتماعی به دلیل وجود برخی احکام تکلیفی در رمضان، از لوازم چنین موسمی دانسته شود. در حالی که با مراجعه به سیره معصومان علیهم‌السلام و دیگر منابع دینی، گاه به عنوان یک آسیب تلقی می‌شود، نه یک لزوم طبیعی. در این میان، سیره و رویکرد اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند تبیین‌کننده روح حاکم بر تکالیف عبادی باشد و سالکان را از افراط و تفریط دور سازد.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام در رمضان بر صله رحم، سرکشی به خانواده و بستگان^{۲۹} و حضور در اجتماع مردم تأکید می‌کرد. بنابر گزارش شیخ مفید، سیره حضرت علیه‌السلام در رمضان، سر زدن به فرزندان خود در همه شب‌های رمضان بوده است.^{۳۰} دید و بازدید و احوال‌پرسی از دیگران، برای آن حضرت علیه‌السلام در مرتبه‌ای از اولویت قرار داشت که ایشان با استناد به خاطره‌ای از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرکت در سفره افطار و اجابت درخواست دعوت‌کنندگان را مقدم بر اقامه نماز می‌دانست.^{۳۱}

۲. اهتمام به تبلیغ و مسئولیت اجتماعی

محدود کردن تکالیف و وظایف به مناسک دینی و عبادات روزانه و غفلت از نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی، از مشکلات برخی جوامع اسلامی است، درحالی که جامعه انسانی، تنها با مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی سودمند و هدف‌مند می‌تواند مراتب کمال و سعادت دینی و دنیایی را بییماید. یکی از مسئولیت‌های مهم اجتماعی، اهتمام به تقویت و گسترش عوامل تعالی‌بخش و پیش‌گیری از اثرگذاری زمینه‌های افول و انحطاط است. این اهتمام در موارد زیادی در قالب هجرت، تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد.

هجرت چه با هدف یافتن محیط‌های مساعدتر برای ایجاد نظام کامل اجتماعی که

مبتنی بر مبانی دینی باشد و چه با هدف گسترش قلمرو جغرافیایی اندیشه دینی، از نخستین سال‌های تاریخ اسلام، در اندیشه رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بوده است. هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه و هجرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از مکه به مدینه، از نوع نخست و هجرت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به طائف، هجرت مصعب بن عمیر به مدینه و هجرت دیگر مبلغان دینی به شهرها و مناطق دور دست، از نوع دوم هستند. با مطالعه زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هر دو نوع از هجرت را می‌توان یافت. هجرت از مکه به مدینه برای یافتن محیط مساعدتری جهت سلوک و زندگی بر اساس آموزه‌های دینی و هجرت به یمن برای تبلیغ و گسترش معارف اسلامی، نمونه‌هایی از آنها هستند. باید یادآور شد که تبلیغ و برخی دیگر از محورهای یاد شده در سیره و سبک زندگی حضرت عَلَيْهِ السَّلَام، تنها مخصوص رمضان نبوده است و در دیگر ایام سال نیز کاربرد داشته است. اهمیت و اهتمام امیرالمؤمنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به این مسئولیت اجتماعی، به گونه‌ای بوده که سنت‌ها و مناسک متداول ماه رمضان، مانع از انجام این رسالت نبوده است.

هجرت امیرالمؤمنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به یمن در رمضان سال دهم هجری، یکی از این رویدادها است. وی در این هجرت، سرپرستی گروهی تبلیغی - نظامی را برعهده داشت. همراهی نیروهای نظامی به آن جهت بود که در سفرهای مشابه، قبایل مختلف، گروه‌های متعددی از مبلغان را قتل و غارت کرده بودند. هجرت به یمن از جنبه‌های گوناگون اهمیت داشت؛ زیرا یمن از دیرباز شاهد حضور مبلغان و دولت‌مردان یهودی و مسیحی بود. هجرت به یمن دارای حساسیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی بود و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیش از حرکت، لوایی را برای ایشان در نظر گرفت و با دست خود، عمایه‌ای برای امام عَلَيْهِ السَّلَام آماده ساخت^{۳۳} و دستورالعمل و اولویت‌های تبلیغی - سیاسی خود را بیان کرد و فرمود:

با آنها به جنگ میرداز، مگر زمانی که با تو به جنگ پرداخته و خونی از شما ریخته شد. نخستین درخواست تو از آنها شهادت به وحدانیت خداوند باشد و اگر پذیرفتند، برپا داشتن نماز و اگر پذیرفتند، پرداخت صدقه به فقیرانی از خودشان و اگر پذیرفتند، دیگر چیزی از آنها نخواه. به خدا سوگند! اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد و غروب می‌کند.^{۳۳}

در این سفر، امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را سیصد سوار همراهی می‌کردند.^{۳۴} یکی از نتایج مهم هجرت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به یمن، اسلام آوردن دسته‌جمعی قبیله همدان در یک روز بود.^{۳۵} رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن این خبر، سجده شکر به جا آورد و در نامه‌ای، سه مرتبه بر قبیله همدان و دیگر یمینان تازه‌مسلمان، سلام فرستاد.^{۳۶} این در حالی بود که در همان سال، خالد بن ولید در سفر خود به یمن نتوانسته بود توفیقی به دست آورد.^{۳۷}

۳. توجه به مساجد به عنوان یک نهاد مؤثر اجتماعی - سیاسی

در عهد نبوی و علوی کارکرد اصلی مساجد، به عنوان مکانی همچون پادگان، دادگاه، محل اجرای حد، آموزشگاه قاضیان و دانشمندان و دیگر اصناف و یا خوابگاهی برای نظامیان نبود، بلکه محلی جهت اجتماع همه مؤثران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود و بخش نامه‌ها و تصمیم‌ها پس از بررسی و تصویب در مسجد، در نهادها و مراکز مرتبط اجرا می‌شدند. به هر حال، مأنوس بودن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام با مساجد در طول سال و به ویژه در موسم رمضان، تنها کارکردی عبادی نداشت. با این که خوارج و هواداران معاویه جان امیرالمؤمنین علیه السلام را تهدید می‌کردند، آن حضرت علیه السلام در موسم رمضان بدون همراهی محافظان، وارد مسجد می‌شد و همین

موضوع، خوارج را بر توطئه ترور امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در مسجد جسور ساخت.^{۳۸} حضور حاکمان و مؤثران اجتماعی و سیاسی در مساجد و ارتباط مستقیم با جماعتی که نمایندگان مطمئن و واقعی همه طبقه‌ها و اصناف جامعه در هر سطح و سن و جنسی هستند دارای دو کارکرد مهم است؛ یکی برداشت واقعی از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی مردم برای تصمیم‌گیری‌های صحیح و واقع‌بینانه و دیگری، اطلاع‌رسانی شفاف به مردم درباره اندیشه، سیاست‌ها و رویکردهای مختلف دولت‌مردان. این نتایج و آثار زمانی رو به زوال و نابودی رفت که یا دولت‌مردان به مساجد بی‌توجه شدند و یا مساجد، پذیرای حاکمان و دولت‌مردان نبودند.

حضور در مساجد در سیره علوی، نه یک عادت و توصیه دینی، بلکه رفتاری تأکید شده بود. حضرت علیه السلام در رمضان به هنگام پیمودن مسیر خود به مسجد، با ندای «الصلاة، الصلاة» مردم را به حضور در مساجد دعوت می‌کرد^{۳۹} و در این ماه به مسجد جامع و دیگر مساجد سرکشی می‌کرد.^{۴۰} در این سرکشی‌ها، حضرت علیه السلام سنت‌های حسنه‌ای هم‌چون چراغانی و تلاوت قرآن را تشویق و تأیید می‌کرد.^{۴۱}

باید یادآور شد که تقویت نهاد عبادی - اجتماعی مسجد و تشویق مردم به حضور در آن، از سفارش معصومان علیهم السلام در طول سال است، اما اهتمام ویژه به این امر در ماه رمضان، از برنامه‌ها و سلوک عبادی - اجتماعی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام بوده است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام رونق و نقش‌آفرینی مساجد را تنها در گرو بیان ثواب و آثار اخروی و معنوی مسجد نمی‌دید، بلکه بر موقعیت‌ها و آثار مادی و طبیعی آن نیز تأکید می‌کرد. تشویق به چراغانی مساجد^{۴۲} و سنت‌های حسنه‌ای چون محفل‌های قرائت قرآن،^{۴۳} توصیه به در نظر گرفتن محلی برای تطهیر^{۴۴} و فراهم آوردن لوازم حضور زنان و کودکان در مسجد، برخی از آنها است. عرفجه ثقفی، یکی از

اصحاب آن حضرت علیه السلام نقل می‌کند که در ماه رمضان، از سوی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به امام جماعت زنان منصوب شده بود.^{۴۵}

۴. جانمایی شعائر مذهبی در حقوق اجتماعی

موسم‌ها، مراسم و مشاهد دینی و مذهبی به‌عنوان نمادها و شعائری با محتوا و مفاهیم تأکید شده دینی می‌توانند در محدوده‌های زمانی و مکانی، نقش مهمی در تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه ایفا کنند و آسیب‌های روزمرگی و دیگر عوامل تنش‌زای اجتماعی را جبران نمایند. محدوده‌های زمانی و مکانی که تعاریف و حدود و ثغور منصوص و معینی دارند، به دلیل تعیین مناسک، آداب و تکالیفی شرعی و معرفتی، حرمتی دینی و اجتماعی یافته‌اند و مردم، متناسب با باورهای دینی و مذهبی به آنها وفادار هستند. حتی ممکن است پیروان دیگر ادیان و مذاهب نیز به جهت محرک‌های اجتماعی و فرهنگی، خود را ملزم به رعایت و حرمت نهادن به آنها بدانند. از این‌رو می‌توان انسجام و اتحاد ملی و اجتماعی را یکی از پی‌آمدهای این کارکرد اجتماعی - سیاسی موسم‌های دینی دانست.

در سیره و رویکرد ائمه علیهم السلام درباره حرمت نهادن این ایام و موسم‌ها، مصداق‌های متعددی می‌توان یافت. با مطالعه منابع حدیثی و تاریخی به مواردی برمی‌خوریم که با تسامح می‌توان از آنها به‌عنوان سیره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در حرمت نهادن به موسم رمضان در عرصه اجتماعی یاد کرد. حضرت علیه السلام در احادیثی، خوردن و آشامیدن را در ماه رمضان، حتی برای مسافری که بعد از ظهر به شهر خود باز می‌گردد^{۴۶} و زنانی که به جهت احکام شرعی، معذور از روزه گرفتن هستند، سزاوار نمی‌داند.^{۴۷}

از دیگر مصداق‌های رویکرد امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در حفظ قداست رمضان، تشدید مجازات کسانی است که رمضان را حرمت نمی‌دارند. قیس بن عمرو حارثی، مشهور به نجاشی، از شاعران کوفه و یاران امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در صفین بود. وی به

سبب مهارت در سرودن شعر و شرافت قومی و عربی، نقش مهمی در رقابت فرهنگی و اجتماعی شام و عراق داشت و حضورش در کوفه معتنم دانسته می‌شد.^{۴۸} آنچه موجب پیوستن وی به معاویه شد و او را به هجو امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و جایگاه اجتماعی و فرهنگی کوفه و عراق واداشت،^{۴۹} تأکید امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بر ضرورت حفظ شأن و حرمت رمضان بود. بدین ترتیب که وی در ماه رمضان و در اطراف کوفه، شرب خمر کرد و حضرت علیه السلام بیست ضربه شلاق را به دلیل شکستن حرمت رمضان، بر مجازات شرعی او افزود.^{۵۰} امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در مقابل پرسش نجاشی در خصوص تشدید مجازات، جسارت وی در برابر خداوند و حرمت نهادن بر رمضان را علت این تصمیم خود خواند و فرمود:

فرزندان ما روزه‌اند، در حالی که تو رمضان را حرمت نمی‌داری.^{۵۱}

۵. تأکید بر نتایج اعتقادی، عرفانی و اخلاقی تکالیف دینی

موسم رمضان، صرف‌نظر از تکالیف و ضوابط شرعی و فقهی، دارای اهداف و مقاصد عرفانی، کلامی و اخلاقی است. پرداختن به شرایط درستی و بطلان تکالیفی چون نماز و روزه و مستحباتی چون ذکر و تلاوت قرآن، نباید سالکان را از دستیابی به مراتب اعتقادی، عرفانی و اخلاقی باز دارد. این گروه از موضوع‌ها را با مراجعه به نفس می‌توان سنجید، اما در رفتارها و شعائر عمومی، کمتر می‌توان آنها را راست‌آزمایی کرد و حتی شاید بیش از تکالیف و ضوابط فقهی، آسیب‌پذیر هستند و فراموش می‌شوند.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای، ماه رمضان را ماه باز شدن درهای آسمان و دربند شدن شیاطین می‌داند^{۵۲} و با تکیه بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دهه آخر رمضان را فرصتی برای اعتکاف در مساجد و شب‌زنده‌داری اعلام می‌دارد.^{۵۳} امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام تحمل گرسنگی و تشنگی را کمترین و ساده‌ترین تکالیف این ماه^{۵۴} و خودداری از خوردن و آشامیدن را زمانی که منجر به پرهیز از حرام‌های دیگر شود، سودمند

می دانست.^{۵۵}

در روایتی دیگر امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام با تکیه بر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روزه را از نخستین عبادات و میراث آن را حکمت و میراث حکمت را معرفت و میراث معرفت را یقین معرفی می کند. در این حدیث، یقین به عنوان بالاترین مراتب کمال و قرب الهی تعریف شده است، به گونه ای که پس از مرگ در مرتبه ای قرار می گیرد که دیگر، میان او و خداوند حجابی نیست و در آن حال، خداوند مشتاق وی خواهد بود.^{۵۶}

حضرت در احادیث دیگری، عموم مردم را به مراقبت بر اعضا، جوارح، رفتار و کردار در ماه رمضان سفارش می کند و عبادات و تکالیفی را در هر شب و روز رمضان^{۵۷} و یا بر برخی از مناسبت های این ماه مانند شب قدر،^{۵۸} شب اول رمضان یا شب عید فطر^{۵۹} تأکید می نماید. همچنین، حضرت علیه السلام، مردم را در ماه رمضان به استغفار و دعا که دفع کننده بلا و از بین برنده گناهان است، فرا می خواند.^{۶۰}

۶. مبارزه با بدعت ها

مراسم و موسم های فراگیر با خاستگاه های متنوع ملی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی، هر کدام اثر و هدف خاصی را پی گیری می کنند، اما عواملی چون مرور زمان، اثرگذاری عوامل پیرامونی، خرافه ها، انحراف ها و مصلحت اندیشی موجب می شود که اهداف و پی آمدهای اصلی و اولیه این مناسبت ها و مراسم فراموش شود و حتی نتیجه عکس دهد. به گونه ای که ممکن است مراسمی ملی، تهدیدی ملی باشد و آیینی فرهنگی به معضلی فرهنگی تبدیل گردد.

نکته دیگر این که امروزه برخی آیین ها و مناسک دینی و مذهبی، چنان دچار تحریف و انحراف شده اند که نه تنها عالمان، بلکه عموم متدینان از آن بیزار می جویند. در این میان، مصلحت اندیشی، اجتهاد در مقابل نص، عرفی زدگی و سهل گیری در احادیث و دلایل سنن، همگی بسترساز ظهور و بروز بدعت ها و انحراف ها در آیین ها و شعائر دینی خواهند بود.

با مطالعه سیره حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ویژه دوره پس از تشکیل حکومت، درمی یابیم که به دلیل فراهم آمدن برخی لوازم و زمینه های امر به معروف و نهی از منکر، پاره های اصلاحات در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومیتی در کوفه و دیگر سرزمین های اسلامی رخ داده است اما در امور و موسسه های اجتماعی، اصلاحات کمتری صورت گرفته است. شیخ طوسی در نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام می گوید:

آن هنگام که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به کوفه وارد شد، فرزندش حسن علیه السلام را فرمان داد که مردم را از نماز مستحبی به صورت جماعت (تراویح) ^{۶۱} در ماه رمضان نهی کند، اما مردم مقاومت کردند و فریاد و اعمره سر دادند. ^{۶۲}

چنان که از اعتراض مردم برداشت می شود، نماز تراویح را عمر بن خطاب بنیان نهاده بود ^{۶۳} و به منابع دینی مستند نیست. از این رو امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ابتدای ورود به کوفه و در آغاز ماه رمضان، پیش از هر اقدامی، مردم را از استمرار این بدعت نهی فرمود. پیش از این، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با بدعتی مانند آنچه خلیفه دوم بنیان نهاد، فرموده بود:

این گونه امور معصیت هستند. آگاه باشید که هر بدعتی - هر چند در عبادات - گمراهی است و هر گمراهی ای به آتش ختم می شود. سنتی کم - سهل و آسان - بهتر است برای شما از بدعتی زیاد، طولانی و سخت. ^{۶۴}

۷. توجه به جنبه های اقتصادی شعائر مذهبی

رویکرد برخی مبنی بر نکوهش دنیا و تقابل دنیا و آخرت، آنها را بر آن داشته است که کمتر از منظر دین به لوازم و قوانین زندگی مادی بنگرند و از آن جا که درصدد تعریف فرهنگ، تمدن، هنر، صنعت، علوم انسانی و تجربی و اقتصاد برنیامده اند یا رویکرد انزوا و تحجر را در پیش می گیرند و یا ناچار به پذیرش موضوع های یاد شده از منظر مکاتب غیر

دینی و یا جدا انگاری حیات مادی و معنوی و پذیرش زندگی در چنین محیطی می‌شوند. موضوع‌های اقتصادی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی هستند و بی‌توجهی به آنها ممکن است با وجود همه تدابیر و فعالیت‌های دینی، به نابودی جامعه منجر شود. توجه به این رکن از قوانین اجتماعی در بسیاری از دستورها و توصیه‌های تکلیفی، اخلاقی، اعتقادی و عرفانی مشاهده می‌شود. یکی از این موارد، سیره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ماه رمضان است. برای نمونه، حضرت علیه السلام با تکیه بر حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این دعا را پیش از افطار درباره رعایت حقوق مادی در رمضان سفارش می‌کند:

خدایا! برای تو روزه گرفتیم و بر رزقی که برای ما مقرر فرمودی، افطار

نمودیم. پس، از ما بپذیر، گرسنگی مان مرتفع شد و رگ‌هایمان پر خون و برای

ما اجر باقی ماند. ان شاء الله. ^{۶۵}

در این دعا روزه‌داران بیان می‌دارند که بهره‌مندی مادی به خواست خداوند است و افزودن بر آن از هر راهی روا نیست. هم‌چنین رعایت حقوق و قوانین فردی و اجتماعی از اسباب تقرب به خداوند است.

یکی دیگر از رفتارهایی که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در رمضان تأکید می‌کند، افطار بر غذایی منزّه از هرگونه شبهه است. در گزارشی مشاهده می‌شود که حضرت علیه السلام بر منزّه بودن افطار خود در رمضان اصرار داشت و آن را در کیسه مخصوص و بسته نگه می‌داشت، به گونه‌ای که برخی به اشتباه، آن را نشانه بخل می‌پنداشتند. ^{۶۶} تمرین روزه‌داران بر استفاده از منابع مالی مشروع و به دور از هرگونه تخلف و حقوق دیگران، می‌تواند به کاهش معامله‌های غیرمشروع و تجاوز نکردن به حقوق مادی و معنوی دیگران کمک کند. این اهتمام موجب می‌شود افرادی که در روابط اقتصادی خود، به حقوق دیگران و ضوابط قانونی و شرعی چندان پای‌بند نیستند، جایگاه خویش را در میان مردم از دست دهند و به نوعی گرفتار انزوا شوند.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام ضمن تأکید بر رعایت حقوق قانونی و شرعی در کسب مال و سرمایه، رویکردهایی اخلاقی - اقتصادی چون قناعت را سفارش می‌کرد. برای مثال، حضرت علیه السلام در پاسخ به عدی بن حاتم که درباره علت سادگی سفره افطار ایشان پرسیده بود، قناعت را مقصود خود از این سیره بیان می‌دارد.^{۶۷} هم‌چنین، صله ارحام و رسیدگی به آنها و توصیه به اطعام نیازمندان،^{۶۸} از دیگر رفتارهایی است که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در رمضان بر آنها تأکید می‌نمود و در سایه این حرکت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رسیدگی به گرفتاری‌های اقتصادی مردم تحقق می‌یافت.

سیره سیاسی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

۱. توجه به جهاد و مسئولیت‌پذیری سیاسی

در میان صاحب‌نظران اسلامی، فعالیت‌ها و اقدام‌های سیاسی، تعاریف و مراتب مختلف دارد. برخی، آن را از امور دنیا و آثار آن را منحصر در اقتدار و حکومت می‌بینند و برخی دیگر، آن را هدف‌نهایی اندیشه و رسالت دینی و مرتبط با اجرای دستورهای دینی می‌دانند. با این توصیف، ممکن است از یک‌سو اقدامات عملی و تهدیدآمیزی چون جهاد و درگیری‌های نظامی، در مناسبت‌ها و موسمه‌های دینی امری پسندیده نباشد و از سوی دیگر، برخی از سر خیرخواهی، این موسم را فرصتی برای زهد، تقوا و بندگی بدانند و عابدان و ذاکران را بهره‌مندان راستین این ماه بخوانند.

با این حال، سیره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ماه رمضان در رفتارها و موضع‌گیری‌های عبادی، اخلاقی و عرفانی منحصر نمی‌شود بلکه نقش‌آفرینی در بحرانی‌ترین تنش‌های سیاسی مانند جنگ بدر که از نخستین، معارضه‌های مستقیم حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان مکه بود، یکی از رفتارهای تأکیدشده از دیدگاه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و افتخاری برای ایشان است. این جنگ پس از نزول آیه وجوب روزه رمضان^{۶۹} و در هفدهم رمضان سال دوم هجری رخ داد^{۷۰} و حضرت

علی بن ابی طالب علیه السلام همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول سفر^{۷۱}، عهده دار حمل پرچم سیاه رنگی به نام عقاب بود.^{۷۲}

هم چنین در رمضان سال هفتم هجری، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، فرماندهی گروهی صدنفره را برای فتح فدک عهده دار شد. امام علیه السلام در این لشکرکشی، سپاهیان را شب هنگام حرکت می داد تا دشمن از هدف ایشان آگاهی نیابد.^{۷۳} عملیات نظامی فدک با تدبیر و درایت، بدون خونریزی به پیروزی رسید و این منطقه یهودی نشین فتح شد. یکی دیگر از نقش آفرینی های سیاسی - نظامی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در ماه رمضان، فرماندهی و حمل لوای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه است.^{۷۴} این فتح به دلیل جایگاه معنوی مکه و رویارویی با قریشیان که خویشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مهاجران بودند، اهمیت خاصی داشت. فتح مکه در رمضان سال هشتم هجری رخ داد. علت واگذاری لوا به حضرت علی علیه السلام، پیش گیری از هرگونه خشونت و زیاده روی فاتحان مسلمان بود.^{۷۵}

بدین ترتیب دیگر ائمه علیهم السلام و علویان به سیره امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در اجرای نقش های مهم سیاسی - نظامی در موسم های عبادی و مذهبی مانند رمضان تمسک جستند. چنان که بلاذری در کتاب خود یادآور می شود، هنگامی که امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در رمضان سال چهارم هجری در مسجد، به وسیله عبدالرحمن بن ملجم ترور شد، حضرت حسین بن علی علیه السلام در مدائن بود و فرماندهی سپاهی را برای مبارزه با شامیان بر عهده داشت.^{۷۶} دیگر علویانی که جهاد و قیام مسلحانه خود را از رمضان آغاز کردند و یا در رمضان به شهادت رسیدند، عبارت هستند از:

الف) حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی علیه السلام؛^{۷۷}

ب) ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، مشهور به ابراهیم باخمی؛^{۷۸}

ج) محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، مشهور به نفس زکیه.^{۷۹}

۲. استفاده از عوامل و محرک‌های معنوی در تدابیر سیاسی

در مکتب اهل بیت علیهم السلام تشکیل حکومت بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلامی، از اهداف اصلی و همیشگی بود، هرچند که رخدادهای گوناگون، دست‌رسی به این امر را دشوار یا محال می‌ساخت و ایشان را وادار به تقیه می‌کرد که نوعی تدبیر سیاسی بود. یکی از مبانی اصیل در سیره اهل بیت علیهم السلام، ارائه رویکردی جامع با در نظر گرفتن مصالح و مفاسد دینی و دنیایی است. چنان‌که پیروی از سیره آنان، تأمین‌کننده کمال و سعادت دینی و دنیایی بود. پیوند، مرتبط ساختن و درهم تنیدن نمادها و شعائر سیاسی و مذهبی، یکی از ابزارهای مهم ایجاد این رویکرد است. از این‌رو، شاید نخستین اقدامات نظامی و سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر و سپس فتح مکه در رمضان، تأکیدی بر این رویکرد است. در حیات سیاسی - اجتماعی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام مواردی مشاهده می‌شود که یک موسم و شعار دینی و معنوی، به‌عنوان محور و مرکز یک تحول سیاسی قرار داده شده است. یکی از آنها، ماجرای حکمیت میان نمایندگان امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و معاویه است. این رخداد سیاسی پیشنهاد و خواست اولیه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نبود اما شرایط و تعهدهای دینی مانند استناد به آیات و آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی و تعیین ماه رمضان به عنوان زمان شروع و پایان داوری^{۸۰} می‌توانست تا حدودی مبانی و معیارهای دینی را یادآور شود. در عصر حاضر نیز می‌توان با قرار دادن برخی از تحولات سیاسی و اجتماعی فراگیر و مؤثر مانند انتخابات، در مناسبت‌ها و موسم‌هایی چون محرم یا رمضان، شرایط و زمینه اثرگذاری باورها و مبانی دینی را در این تحولات فراهم کرد.

نتیجه

در جوامعی با عوامل و بنیان‌های فعال دینی و مذهبی، آموزه‌های دینی و سرمایه‌های تاریخی از عوامل مهم شکل‌گیری و رونق مراسم و موسم‌ها هستند. این آیین‌ها و مراسم می‌توانند صرف‌نظر از درستی یا بطلان، منبعی جهت سنجش علل، عوامل و محرک‌های واقعی در رفتارهای پذیرفته شده عمومی باشند و تعامل، تقابل و تقدم هر یک از مؤلفه‌های ملی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی جامعه را بازگو کنند.

با مطالعه سبک زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در رمضان، می‌توان به این نتیجه رسید که نظام توصیه شده از نظر اهل بیت علیهم السلام، نظامی جامع، متناسب با حیات مادی و معنوی انسان‌ها است و تضمین‌کننده نیازها و بسترهای رشد و کمال دنیا و آخرت انسان خواهد بود. در این نظام به روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توجه شده است.

موسم رمضان در سبک زندگی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، به‌عنوان محدوده‌ای زمانی برای تمرین و تبیین تربیت دینی و دنیایی، بازخوانی مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مؤمنان، توجه به همه ابعاد کمال مادی و معنوی، توجه به پیش‌نیازهای مادی برای حیات معنوی و توجه به پیش‌نیازهای معنوی برای سعادت در حیات مادی است. در این گفتمان، در کنار توجه به ضرورت‌های تأمین همه نیازهای مادی و معنوی، از هرگونه افراط، تفریط، یک‌جانبه‌گرایی و محدود شدن حیات اجتماعی به واسطه آیین‌های مذهبی، پرهیز شده است.

پی نوشت‌ها:

۱. احزاب (۳۳) آیه ۳۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۱۵.
۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۰.
۳. دینوری، *الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۰۳.
۴. همان، ج ۲، ص ۳۳۶.
۵. محمد بن حسن طوسی، *تهذیب الأحکام*، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ق، ج ۳، ص ۷۰.
۶. عبدالله بن جعفر حمیری قمی، *قرب الاسناد*، تحقیق مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم: مهر، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۸۹.
۷. همان؛ *بیهقی، السنن الکبری*، بیروت: دار الفکر، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۴.
۸. حمیری قمی، *پیشین*، ص ۸۹.
۹. قاضی نعمان، *دعائم الإسلام*، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دار المعارف، ۱۳۸۳ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۷۱.
۱۰. محمد بن نعمان مفید، *المقنعة*، تحقیق مؤسسه نشر اسلامی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۳۱۷؛ محمد بن حسن فتال نیسابوری، *روضه الواعظین*، تحقیق تقدیم سید محمد مهدی سید حسن خراسان، قم: منشورات شریف رضی، بی تا، ص ۳۴۱.
۱۱. شیخ صدوق، *پیشین*، ج ۲، ص ۱۳۶.
۱۲. حمیری قمی، *پیشین*، ص ۸۹.
۱۳. قاضی نعمان، *پیشین*، ج ۱، ص ۲۸۰.
۱۴. همان.
۱۵. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، تحقیق محمد الباقر البهبودی و دیگران، بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۴۰، ص ۳۲۵.
۱۶. أحمد بن محمد بن خالد برقی، *المحاسن*، تحقیق سید جلال‌الدین حسینی، تهران:

- دارالكتب الإسلامية، ١٣٣٠ هـ. ق، ج ٢، ص ٤٩١.
١٧. مجلسي، پيشين، ج ٤٠، ص ٣٢٥.
١٨. قاضي نعمان، پيشين، ج ١، ص ٢٨٠.
١٩. سيد حسن قبانجي، مسند الإمام علي عليه السلام، تحقيق شيخ طاهر سلامي، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٢١ هـ. ق، ج ٣، ص ٣٠٤.
٢٠. شيخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، تحقيق ميرزا غلامرضا عرفانيان، بيروت: دار المحجة البيضاء للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٢ هـ. ق، ص ٧٦.
٢١. احمد بن يحيى بلاذري، انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلي، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ هـ. ق، ج ٢، ص ٤٩٥.
٢٢. جلال الدين سيوطي، الدر المنثور، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بي تا، ج ٦، ص ٣٧٦.
٢٣. قاضي نعمان، پيشين، ج ١، ص ٢٨٢.
٢٤. شيخ صدوق، ثواب الاعمال، ترجمه حسن زاده، تهران: ارمغان طوبى، ١٣٨٢، ص ٩٨.
٢٥. كليني، پيشين، ج ٤، ص ١٨٠.
٢٦. محمد بن جرير طبري، تاريخ طبري، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران: اساطير، ١٣٧٥ هـ. ق، ج ٣، ص ١٠٥٠.
٢٧. علي بن ابي الفتح اربلي، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز: بني هاشمي، ١٣٨١ هـ. ق، ج ١، ص ٣٦٤.
٢٨. محمد بن علي صدوق، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تحقيق شيخ حسين اعلمي، بيروت: مطابع مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٤ هـ. ق، ج ٢، ص ٤٢.
٢٩. شيخ مفيد، الإرشاد، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣، ج ١، ص ١٤.
٣٠. همان.
٣١. قاضي نعمان، پيشين، ج ١، ص ٢٨٠.
٣٢. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ هـ. ق، ج ٢، ص ١٢٨.

٣٣. تقى الدين احمد بن على بن عبدالقادر مقرئى، *إمتاع الأسماع*، تحقيق محمد عبد الحميد النميسى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ هـ. ق، ج ٢، ص ٩٥ - ١٠٢.
٣٤. همان.
٣٥. طبرى، *پيشين*، ج ٣، ص ١٣٢.
٣٦. مقرئى، *پيشين*، ج ٢، ص ١٠٢.
٣٧. طبرى، *پيشين*، ج ٣، ص ١٣٢.
٣٨. ابن جوزى، *المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك*، تحقيق محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٢ هـ. ق، ج ٥، ص ١٧٨.
٣٩. بلاذرى، *پيشين*، ج ٢، ص ٤٩٥.
٤٠. ابن اثير، *أسد الغابة*، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ هـ. ق، ج ٣، ص ٦٦٩.
٤١. همان؛ ابن جوزى، *پيشين*، ج ٤، ص ١٨٠.
٤٢. ابن اثير، *أسد الغابة*، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ هـ. ق، ج ٣، ص ٦٦٩.
٤٣. ابن جوزى، *پيشين*، ج ٤، ص ١٨٠.
٤٤. قاضى نعمان، *پيشين*، ج ١، ص ١٤٩؛ مجلسى، *پيشين*، ج ٨٠، ص ٣٨١.
٤٥. عبد الرزاق صنعانى، *المصنف*، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمى، بی جا: منشورات المجلس العلمى، بی تا، ج ٣، ص ١٥٢؛ بهقى، *السنن الكبرى*، بيروت: دار الفكر، بی تا، ج ٢، ص ٤٩٤.
٤٦. فضل الله راوندى، *النوادر*، تحقيق سعيد رضا على عسكرى، قم: مؤسسة دار الحديث الثقافية، بی تا، ص ١٨١.
٤٧. محمد بن اشعث كوفى، *الجغريات*، تصحيح محمد صادقى اردستانى، قم: مؤسسه الثقافة الاسلامية لكوشانپور، ١٣٧٥، ص ١٠٦.
٤٨. ابواسحاق ابراهيم بن محمد ثقفى كوفى، *الغارات*، تحقيق جلال الدين حسينى ارموى، تهران: انجمن آثار ملي، ١٣٥٣، ج ٢، ص ٩٠١ - ٩٠٣.
٤٩. همان، ص ٩٠٢.
٥٠. همان، ص ٩٠١.
٥١. همان، ص ٩٠٣.

- ٥٢ . شيخ صدوق، *ثواب الاعمال*، ترجمه حسن زاده، تهران: ارمغان طوبى، ١٣٨٣، ص ١٥٩.
- ٥٣ . سيوطى، *پيشين*، ج ٦، ص ٣٧٦.
- ٥٤ . قبانجى، *پيشين*، ج ٣، ص ٣٦٣.
- ٥٥ . مجلسى، *پيشين*، ج ٩٣، ص ٢٩٤.
- ٥٦ . الحسن بن محمد ديلى، *إرشاد القلوب*، قم: انتشارات شريف رضى، ١٤١٥ هـ. ق، ج ١، ص ١٩٩.
- ٥٧ . قبانجى، *پيشين*، ج ٣، ص ٣٠٤.
- ٥٨ . همان، ص ٣٠٥؛ أحمد بن الحسين بيهقى، *شعب الإيمان*، تحقيق أبى هاجر محمد السعيد بن بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ هـ. ق، ج ٣، ص ٣٣٧.
- ٥٩ . محمد بن حسن طوسى، *مصباح المتهدد*، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ هـ. ق، ص ٨٥٢.
- ٦٠ . شيخ صدوق، *فضائل الأشهر الثلاثة*، تحقيق ميرزا غلامرضا عرفانيان، بيروت: دار المحجة البيضاء للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٢ هـ. ق، ص ٧٦.
- ٦١ . ابن اثير، *الكامل فى التاريخ*، بيروت، دار صادر - دار بيروت، ١٣٨٥ هـ. ق، ج ٢، ص ٣٤٠.
- ٦٢ . شيخ طوسى، *تهذيب الأحكام*، تهران: اسلاميه، ١٣٦٥، ج ٣، ص ٧٠.
- ٦٣ . ابن عبدالبر، *الاستيعاب*، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ هـ. ق، ج ٣، ص ١٤٠٧.
- ٦٤ . شيخ طوسى، *پيشين*، ص ٦٩ - ٧٠.
- ٦٥ . كلينى، *پيشين*، ج ٤، ص ٩٥.
- ٦٦ . شيخ طوسى، *پيشين*، ج ٤، ص ٢٠٠.
- ٦٧ . مجلسى، *پيشين*، ج ٤٠، ص ٣٢٥.
- ٦٨ . راوندى، *پيشين*، ص ١٧٥.
- ٦٩ . ابن كثير، *البداية و النهاية*، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ هـ. ق، ج ٣، ص ٢٥٥.
- ٧٠ . طبرى، *تاريخ الأمم و الملوك*، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ١٣٨٧ هـ. ق، ج ٢، ص ٤٢٠.

٧١. محمدبن احمد ذهبى، تاريخ الاسلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤١٢ هـ. ق، ج ٢، ص ١٠٥.
٧٢. ابن كثير، پيشين، ج ٣، ص ٢٦٠.
٧٣. طبرى، پيشين، ج ٣، ص ١٣١٠، ١١٣١.
٧٤. ابن كثير، پيشين، ج ٤، ص ٣٠٠.
٧٥. ابن اثير، پيشين، ج ٢، ص ٢٤٦.
٧٦. بلاذرى، پيشين، ج ٢، ص ٤٩٧.
٧٧. طبرى، پيشين، ج ٩، ص ٢٧١.
٧٨. خليفة بن خياط، تاريخ خليفة بن خياط، تحقيق فواز، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ هـ. ق، ص ٢٧٦.
٧٩. مسعودى، التنبيه و الإشراف، تصحيح عبد الله اسماعيل الصاوى، قاهرة، دار الصاوى، بى تا، ص ٢٩٥.
٨٠. دينورى، پيشين، ج ١، ص ١٥٢؛ ابن كثير، پيشين، ج ٧، ص ٢٧٦.